

مطالعه تطبیقی اندیشه جمعی شدن مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه و ایران و آثار عملی آن بر نحوه جبران خسارت

علیرضا یزدانیان*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۰/۱۷)

چکیده

یکی از تحولات حقوق مسئولیت مدنی، بحث جمعی شدن این گونه مسئولیت‌هاست. گذشته از تقسیم خطرات، مسئولیت مدنی در زمان‌های گذشته جمعی بوده و نتیجه فعل زیان‌بار بر همه قبیله و خانواده فاعل آن فعل تحمیل می‌شده است. سپس با رشد تمدن‌ها و با ظهور اصل شخصی بودن، مسئولیت مدنی جنبه شخصی به خود گرفت. اما اخیراً در زمان معاصر مزمه‌هایی از جمعی شدن مسئولیت به شیوه علمی به گوش می‌رسد که رد پای این ایده را در برخی از قوانین جدید هم می‌توان دید. در این راستا بحث‌های دیگری مانند اجتماعی کردن خطرات یا اجتماعی کردن جبران خسارت و آثار این مباحث بر حقوق مسئولیت مدنی قابل تأمل است که با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه در این مقاله بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

بیمه، جمعی شدن، خطرات، شخصی بودن، مسئولیت.

مقدمه

اصل شخصی بودن مسئولیت (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۸۹؛ حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۰۷؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۵؛ محقق داماد، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۶۳) قاعده‌ای بدیهی بوده است. اگرچه در گذشته حتی در حقوق کیفری نیز چنین اصلی وجود نداشت، اما بعدها این قاعده در مورد تحمیل مسئولیت کیفری و مدنی ایجاد گردید که مسئولیت باید شخصی باشد. اما امروزه نگاهی به کتاب‌های جدید مربوط به حقوق مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه نشان می‌دهد که مسئله «زوال مسئولیت فردی» (Déclin de la responsabilité individuelle) به عنوان یکی از مسائل جدید حقوق مسئولیت مدنی مطرح گردیده است (Delebecque . Jerome pansier. 2008/7). امروزه یکی از مشکلات حقوق مسئولیت مدنی این است که گاه جبران خسارت از توان مالی یک شخص خارج است و نه تنها امکان جبران ضرر برای فاعل فعل زیان‌بار وجود ندارد، بلکه اصرار بر جبران آن به نابودی اقتصادی فاعل می‌انجامد (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۲). در این شرایط الزام فاعل به جبران به منزله این است که شخص تنگدستی ملزم به احیای شهری باشد (زرگوش، ۱۳۸۵، ص ۴۳). نمونه دیگر اینکه اگر خطای کارمندی در یکی از نیروگاه‌های هسته‌ای به ویرانی شهری بیانجامد، چگونه می‌توان انتظار داشت تا وی به جبران خسارت اقدام نماید. در این شرایط دعوی مسئولیت مدنی پس از طی فراز و نشیب‌های زیادی به مانع برخورد کرده و با عدم قدرت اقتصادی فاعل، جبران خسارت صورت نمی‌پذیرد. در این اوضاع و احوال سخن از جمعی کردن جبران خسارت بیش از آنکه یک تئوری ساده باشد، یک ضرورت است. چنانچه عده‌ای از همگانی کردن مسئولیت سخن گفته‌اند و این گونه سخن از «جمعی کردن مسئولیت» (La collectivization de la responsabilité) به میان آمده است (Delebecque.Jerome pansier.2008/8). در ابتدا باید گفت که هرچند یکی از سازوکارهای توزیع ضرر گسترش بیمه است (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱)، اما در اینجا منظور از جمعی نمودن مسئولیت، فقط گسترش بیمه نیست، زیرا بیمه گاه باعث افزایش هزینه و مشکلات اخلاقی می‌گردد (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۴۶۷)؛ بنابراین تحمیل مسئولیت بر دولت به عنوان نماینده یک جمع یکی از مصادیق جمعی شدن است. برای مثال گسترش مسئولیت‌های دولت در خون‌های آلوده یا در جبران خسارات ناشی از تروریسم می‌تواند به گونه‌ای ناشی از اندیشه جمعی سازی مسئولیت بوده، در عین حال کم‌تر به طور مستقیم با بیمه مرتبط باشد. برای نمونه در برخی از کشورها در مورد بیماران ایدزی دولت مستقیماً به قربانیان غرامت می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳) که در این موارد رد پای اندیشه جمعی شدن مسئولیت را می‌توان دید. به این ترتیب، دایره اصل شخصی بودن در حال محدود شدن است و اشخاصی در جبران خسارت شرکت می‌کنند که مرتکب تقصیری نشده‌اند. اکنون در این راستا سؤالاتی قابل طرح است: جمعی بودن مسئولیت و تقسیم خطرات

آیا مسئله‌ای نوین است یا در گذشته نیز بوده است؟ آیا می‌توان در حقوق ایران با گسترش بیمه یا مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر و یا با توسعه مسئولیت بیت‌المال به همان نتیجه‌ای رسید که در حقوق فرانسه با توسعه صندوق‌های جبران خسارت به آن دست یافته‌اند؟ در این مقاله به این گونه مسائل پرداخته می‌شود.

گفتار اول - از مسئولیت جمعی تا مسئولیت شخصی

نخست، مطالعه تاریخی

۱. مبانی تاریخی تقسیم خطرات

ایده ضرورت تعاون بین افراد جامعه در جبران خسارات هر اندازه هم که ابتدایی و غیرپیشرفته باشد، در میان اقوام کهن وجود داشته است. در زندگی روستایی که کانون خانواده بیش از همه مورد توجه بوده، در هنگام ورود خسارات به یکی از اعضای خانواده، کمک و دستگیری و مقابله با خسارات از سوی اعضای خانواده امری طبیعی بوده است (بابایی، ۱۳۸۶، ص ۵). انسان نوع خود را دوست داشته و این ایده تعاون از نوع پرستی و قانون نیاز انسان به انسان سرچشمه می‌گرفته (محمود صالحی، ۱۳۸۴، ص ۶۹) و همکاری عده‌ای از افراد جامعه برای مقابله و غلبه بر خطرات آن روزگار، اساس این ایده را تشکیل می‌داده است که در مقابل خطرات باید به طور دسته جمعی اقدام نمود؛ مانند موقعی که افراد قبیله به طور دسته‌جمعی به شکار می‌رفتند. بنابراین جمعی بودن مسئولیت‌ها و تقسیم خطرات ایده‌ای کهن بوده است. چنان‌که عده‌ای معتقدند چینی‌ها اولین قومی بودند که در سه هزار سال قبل از میلاد، اصلی با عنوان اصل تقسیم خطر را در باربری دریایی رعایت می‌کردند. به این منظور کالاهایی را که از طریق رودخانه حمل می‌شد در کشتی‌های مختلف می‌گذاشتند تا اگر یکی از کشتی‌ها غرق شد، بقیه کالاها در کشتی‌های دیگر سالم به مقصد برسد. در زمان سلطنت حمورابی در حمایت از کاروان‌های تجاری قوانین خاصی وضع شده بود که مال‌التجاره‌ای که به «کلده» حمل می‌شد، اگر خسارت می‌دید، خسارات وارده به شیوه جمعی از سوی ساکنان شهر «بابل» جبران می‌شد. در مصر نیز از اهرام اطلاعاتی به دست آمده که صندوق‌های تعاون برای پرداخت هزینه کفن و دفن وجود داشته است (شیبانی، ج ۱، ۱۳۵۱، ص ۱۱). در مصر از یک پاپیروس برمی‌آید که سنگ‌تراشان مصر باستان در ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد برای کمک به یکدیگر در موارد وقوع زیان صندوق‌هایی را قرار داده بودند تا ضرر را بین خویش سرشکن کنند. در سال‌های ۶۴۰ تا ۵۵۸ قبل از میلاد در آتن میان اعضای برخی از اصناف یا گروه‌های مذهبی یا سیاسی انجمن‌هایی به وجود آمده بود که هدف آنها حمایت از اعضا در مقابل زیان بود. در این انجمن‌ها صندوق‌هایی تشکیل شده بود که ماهانه از اعضا مبلغی می‌گرفتند تا در صورت

ورود ضرر، خسارات زیان‌دیده را جبران کنند (صالحی، ۱۳۸۴، ص ۷۰). در فاصله سال‌های ۷۰۰ تا ۹۱۶ قبل از میلاد در شهر «لوان» در جزیره «رودس» قانونی وضع شده بود که طبق آن «زیان عمومی» (General average) به عنوان یک رسم تجاری پذیرفته شده و در این قانون اصل سرشکن نمودن خسارات بین عده‌ای از اشخاص دیده می‌شد (صالحی، ۱۳۸۴، ص ۷۰). به عبارتی فرمول «جتی‌سن» (Jettison) مطرح بود که طبق آن اگر در موردی برای نجات کالاها و کشتی، کالاهایی به دریا ریخته می‌شد، اشخاصی که کالاهایشان نجات پیدا می‌کرد باید خسارت اشخاصی را که کالایشان به دریا ریخته می‌شد، جبران می‌کردند (امید، ج ۲، ۱۳۵۳، ص ۴۵۵؛ آیوامی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۰). این مقررات در قوانین «ژوستینین» نیز انعکاس یافت و امپراطور رم «سزار بیزانتین» (Byzantin-Caesar) نیز این مقررات را لازم‌الرعايه می‌شمرد (شیبانی، ج ۱، ۱۳۵۱، ص ۱۱). در میان برخی از قبایل آسیایی هم مؤسسات خیریه‌ای وجود داشت که به ساحل‌نشینان خلیج فارس کمک می‌کرد و هرگاه شخصی بدون تقصیر کشتی خود را از دست می‌داد، به خرج دیگر دریانوردان یک کشتی برای وی تهیه می‌شد. در فلسطین میان چارپاداران مرسوم بود که هرگاه شخصی حیوان خود را از دست می‌داد، دیگران می‌بایست حیوانی به او بدهند. همچنان‌که میان همراهان کاروان این تعهد دیده می‌شد که با همدیگر پیمان می‌بستند که در مواردی که یکی از همراهان متضرر گردد، دیگران خسارات وی را بپردازند (خامنه‌ای، ۱۳۵۹، ص ۱۲). نکته دیگر اینکه در زمان‌های دور در راستای جمعی کردن خطرات در مواردی خطرات و جبران ضرر ناشی از آن برعهده دولت‌ها بود. چنان‌که از برخی از ادعاها و دعاوی می‌توان دریافت که برای مثال در اسپانیا خطر دریا و جبران خسارات ناشی از آن برعهده دولت اسپانیا بوده است.^۱ همچنین امپراطور رم در سال ۴۱ میلادی برای تشویق کشتی‌سازی و تأمین گندم مورد نیاز شهر رم خسارات ناشی از طوفان را پذیرفت (شیبانی، ج ۱، ۱۳۵۱، ص ۱۴). نه تنها در عهد باستان ایده جمعی بودن مسئولیت به چشم می‌خورد، در قرون وسطا نیز چنین ایده‌ای وجود داشت. در این دوران انجمن‌ها و شرکت‌هایی برای یاری‌رسانی وجود داشته و نظام فئودالیتیه نیز این قبیل انجمن‌ها را تشویق می‌کرده است. مجامعی به نام «ژیلد» (Gild) میان اعضای صنف‌ها تشکیل شده بود که هدف آنها حمایت از زیان‌دیدگان بود. کلیسا نیز که یاری رساندن را وظیفه اخلاقی می‌دانست، این صندوق‌ها را تشویق می‌کرد (صالحی، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

۱. چنان‌که کشاورزی به نام «پستی مولیوس» (Postimulius) قبل از میلاد از مالیات فراری بوده و ادعا می‌کرده که خطر دریا برعهده دولت اسپانیا بوده است و دولت باید خساراتی را که در اثر شکست کشتی‌ها به کشاورزی وی وارد شده جبران کند.

۲. تقسیم خطرات در حقوق اسلامی

در دین اسلام مقرراتی در زمینه تقسیم خطرات در قانون مجازات منعکس شده است. با وقوع جنایت، تعهدی با موضوع جبران خسارت بر ذمه جانی بار می‌شود که مشابه دین و تعهد ناشی از جرم است^۱ (Viney, 1995: 121). از سوی دیگر، مسئولیت مدنی کیفر گناه نیست تا لزومی به رعایت کامل قاعده شخصی بودن باشد. مسئولیت مدنی پرداخت دین است و کسی که آن را بهتر تحمل کند می‌پردازد (Bénabent, 2005/397). امروزه جبران خسارت گاه از عهده یک نفر خارج است و بهتر است بین افراد متعدد سرشکن گردد. در این راستا نهاد بیمه یکی از بهترین ابزارها برای نیل به این هدف است. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد حقوق اسلامی یکی از کامل‌ترین سیستم‌های حقوقی است که قرن‌ها قبل به این نتیجه رسیده است که با وجود «قاعده وزر»، مسئولیت در مواردی باید بین افراد سرشکن گردد. اولین نمونه آن نهاد عاقله است که یک بیمه خانوادگی است. مسئولیت «خویشان نسبی» هم مطرح شده و در نهایت صندوقی با عنوان «بیت‌المال» برای تضمین جبران خسارت وجود دارد. در حقوق فرانسه نیز با مسئول دانستن افرادی در کنار فاعل، سعی در جبران کامل خسارت زیان‌دیده دارند (Légier, 2008/110) و حق زیان‌دیده مورد تضمین قرار گرفته است (Malinvaud, 2005/368)؛ در فقه نیز چنین ایده‌ای مورد توجه بوده است. بنابراین به جای اینکه گفته شود نهاد عاقله فایده‌ای ندارد (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶، ص ۲۱۷)، می‌توان گفت که دیه نوعی مسئولیت به جبران خسارتی است که مبلغ آن چنان زیاد است که تحمیل آن بر یک نفر گاه ممکن نیست و عاقله وی را در پرداخت آن یاری می‌نماید (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۱) و مبنای ضمان عاقله نوعی تعاون و همیاری اجتماعی است که بر این مبنا افراد یک خانواده موظف به اعانه و یاری یکدیگرند (کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۵۶). در مورد خویشان نسبی نیز مبنای آن حفظ دماء و به عبارتی جبران خسارات است (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۳۹۵). مبنای مسئولیت بیت‌المال نیز جبران خسارت مجنی علیه و جلوگیری از پایمال شدن حق زیان‌دیده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۳۵۶). بنابراین در سیستم حقوق اسلام نیز تقسیم خطرات امری بدیهی است و بر مبنای آیه «تعاونوا» مسلمانان موظف به کمک به یکدیگر شده‌اند.

۳. جمعی بودن مسئولیت در دوران انتقام خصوصی

گذشته از تقسیم خطرات بر مبنای تعاون و همیاری بین افراد، از لحاظ تاریخی، در گذشته فعل زیان‌بار یک شخص، فعل زیان‌بار یک قبیله محسوب می‌شد (Responsabilité

۱. در حقوق فرانسه، جرم به عنوان یکی از منابع تعهدات است که مشابه این عقیده فقهی است که جنایت را منشأ ضمان می‌داند (مرعشی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۵).

(individuelle, Garanties collectives. 1998/26) و خسارتی که از سوی یکی از افراد قبیله بر شخصی وارد می‌آید، سبب می‌شد زیان‌دیده یا قبیله وی تاوان آن را از تمامی افراد خانواده و قبیله فاعل فعل زیان‌بار بخواهند (محمد جعفر، ۱۴۱۴، ص ۵؛ Colin. Maistre du chambon. 1999 /5). مسئولیت یا تاوان یک عمل زیان‌بار به صورت « مسئولیت جمعی » بر افراد زیادی تحمیل می‌شد (Colin. Maistre du chambon. 1999 /5 et Deroussin. 2007/643؛ باهری داور، ۱۳۸۰، ص ۶۵؛ معتمد، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۱۱). در گذشته، مسئولیت قابل تفکیک به مسئولیت مدنی و جزایی نبوده (ولیدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۷ و شامبیاتی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۴۹) و مسئولیت جمعی حقوق کیفری در مسئولیت مدنی نیز وجود داشته است (Cardascia. 1998/1 et Viney. 1995/120). در این دوره صرف نظر از عوامل روانی فاعل، صرف ارتکاب فعل برای تحقق مسئولیت کافی بوده و ضابطه مسئولیت عینی (objective) تلقی می‌شده (ولیدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۶) و جمعی بودن مسئولیت مدنی بعید نبوده است (Viney. 1995/120).

۴. تعدیل جمعی بودن مسئولیت

با ظهور دولت‌ها و ادیان، به تدریج دوران انتقام خصوصی رنگ باخت. با ظهور دولت، اولاً در موارد خاصی انتقام ممنوع شد و ثانیاً قبیله فاعل فعل زیان‌بار حق داشتند که وی را تحویل مجنی‌علیه یا خانواده وی دهند که این اقدام گامی به سوی اصل شخصی شدن بود. با افزایش قدرت حاکمیت، دولت طرفین را دعوت می‌کرد تا در ازای دریافت مبلغی از مجازات شخصی صرف نظر کنند (Deroussin. 2007/644) و بعداً این «سازش اختیاری» (composition volontaire) اجباری شد و این اجبار بر هر دو طرف بار گردید و فاعل و زیان‌دیده ملزم به دریافت آن بودند (Colin. Maistre du chambon. 1999 /5). همچنین بین دعوی مدنی و کیفری مرزهایی ترسیم شد (Viney. 1995/13) و شاید بتوان گفت منشأ اولیه مسئولیت مدنی را باید در همین زمان دنبال کرد، زیرا به تدریج این ایده به وجود آمد که این پول تاوانی است که زیان‌دیده را تشفی خاطر می‌بخشد و به جای اینکه به دولت داده شود، باید به مجنی‌علیه یا زیان‌دیده پرداخت گردد. علت دیگری که در تحولات فوق تأثیر داشت، پیدایش قاعده قصاص در ادیان الهی بود (بهری داور، ۱۳۸۰، ص ۶۵) که در ابتدا در دین یهود می‌توان نمونه آن را یافت (Responsabilité individuelle, Garanties collectives. 1998/26). مطابق این قاعده، مسئولیت باید به اندازه آسیب باشد (ولیدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۷)، به همین دلیل در مواردی که قصاص ممکن نبود، این اندیشه به وجود آمد که برای تشفی خاطر زیان‌دیده، مبلغی پول پرداخت شود. بنابراین با

پیدایش دولت‌ها و ظهور ادیان الهی مسئولیت جمعی ضعیف شد (Deroussin. 2007/643) و در تعالیم ادیان و مخصوصاً در اسلام بر شخصی بودن آن تأکید گردید.^۱

۵. پیدایش اصل شخصی بودن مسئولیت

ظهور اصل شخصی بودن مسئولیت را باید در قوانین کهن جستجو نمود؛ برای مثال در قانون حمورابی اصل شخصی بودن مسئولیت به چشم می‌خورد^۲ (کینگ، ۱۳۸۳، ص ۴۶ به بعد). البته در برخی از مواد آن شخصی بودن مورد پذیرش قرار نگرفته است^۳. با وجود این، تولد رسمی اصل شخصی بودن مسئولیت در حقوق موضوعه با انقلاب فرانسه گره خورده است، زیرا وجود جمعی بودن مسئولیت در فرانسه بود که حقوق‌دانان به آن اعتراض داشتند^۴ (Radé. 2005/6). به این ترتیب، مسئولیت جمعی (la responsabilité collective) که تا قرون وسطا ادامه یافت، جای خود را به «اصل شخصی بودن مسئولیت» (Le principe de responsabilité individuelle) داد (Viney. 1995/12).

دوم، مفهوم و مبنای اصل شخصی بودن مسئولیت

۱. مفهوم اصل شخصی بودن مسئولیت

در حقوق جزا، مسئولیت کیفری ناشی از عمل شخص (la responsabilité pénal du Fait personnel) یکی از اصول مسلم به‌شمار می‌رود (Colin. Maistre du chambon. 1999 /212 et Herring. 2004./20 et Baudry- Lacantinerie. 1921 /375). این اصل در حقوق مسئولیت مدنی نیز وارد، و مسئولیت به اعمالی محدود شده که مقصر انجام داده است (Baudry- Lacantinerie. 1921 /375 ؛ سنه‌وری، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۸۷۷).

۱. سوره فاطر، آیه ۱۸ و سوره نساء، آیه ۱۲۳ و سوره فصلت، آیه ۴۶

۲. ماده ۱۹۶ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی چشم کسی را درآورد چشم او درآورده خواهد شد» و ماده ۱۹۷ قانون مزبور مقرر داشته است: «هرگاه کسی استخوان مرد دیگری را بشکند استخوانهایش شکسته خواهد شد» و طبق ماده ۲۰۰ این قانون «هرگاه مردی دندان‌های مرد همپراز خود را بشکند دندان‌های او شکسته خواهد شد»

۳. برای مثال ماده ۲۰۹ قانون حمورابی مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی زنی را بزند و بعد آن زن کودکش سقط شود آن مرد ده شکل برای آن کودک خواهد پرداخت» و ماده ۲۱۰ قانون مزبور با شکستن اصل شخصی بودن مقرر داشته است: «هرگاه چنین زنی بمیرد دختر آن مرد کشته خواهد شد»

۴. برای مثال در حقوق قدیم فرانسه توهین به پادشاه نه تنها اعدام شخص را دربرداشت، سبب تنبیه خانواده و ضبط اموال وی نیز می‌شد. به همین جهت با تصویب قانون جزای فرانسه در سال ۱۷۹۱ م عملاً اصل شخصی بودن وارد حقوق موضوعه شد.

۲. ریشه‌های اصل شخصی بودن مسئولیت در حقوق ایران

اصل شخصی بودن مسئولیت ریشه در «قاعده وزر» دارد که طبق آن هیچ‌کس مسئول اعمال دیگران نیست. منبع این قاعده در آیه «لا تزر وازره وزر اخیری»^۱ است. در قرآن نیز آیاتی وجود دارد که هر انسانی را مأخوذ به اعمال خود دانسته است.^۲ در روایات نیز ریشه این قاعده وجود دارد (محقق داماد، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۶۳؛ جبعی العاملی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۰۶؛ حلی (محقق)، ۱۳۷۷، ص ۲۷۱).

گفتار دوم - از مسئولیت شخصی تا مسئولیت جمعی

نخست، مسئله افول مسئولیت فردی و تأثیر آن بر مسئولیت مدنی

۱. افول مسئولیت فردی

ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف که اشاره به اصل مسئولیت ناشی از فعل شخصی دارد^۳، به زعم حقوق دانان فرانسه یکی از بهترین مواد قانون مدنی (Martin, 1896,295) و از نظر شورای قانون اساسی فرانسه دارای ارزش بنیادین است (Lecourt.Arnaud. 2008 /202 et. Porchy-Simon. 2006/285). نکته دیگر این که مسئولیت نه تنها دارای «حالتی قهقرایی» (Façon rétroactive) است و شخص برای اعمال گذشته خود مسئولیت دارد، بلکه نویسندگان فرانسوی در ابتدا برای مسئولیت یک ویژگی شخصی نیز قائل بودند. علت این امر را باید در وضعیت روابط اجتماعی سال‌های ۱۸۰۴ جستجو نمود که روابط افراد در حقوق خصوصی رابطه فرد با فرد بوده است. اما با انقلاب صنعتی و ماشینی شدن جوامع، رابطه افراد با هم بیشتر مبدل به رابطه اشخاص و ماشین شد و انقلاب صنعتی زمینه‌ساز حوادث مهلک گردید. در زندگی کشاورزی انسان بیشتر سکون را آموخته بود، زیرا بر روی زمین کار می‌کرد و در کنار همان زمین کشاورزی نیز معمولاً سکنا داشت؛ درحالی‌که با انقلاب صنعتی تحرک را تجربه کرد، زیرا منابع زیرزمینی و کارگاه‌ها گاه در دو مکان متفاوت بودند و برای به‌دست آوردن منابع به مسافرت نیاز بود. همچنان‌که توزیع و فروش این تولیدات گاه مسافرت را ضروری می‌نمود. از سوی دیگر لازم بود تا در زمان نیز صرفه‌جویی گردد. این امر اقتضا می‌نمود تا از وسایل سریع‌السیار استفاده شود و به موازات بهبود وسایل از نظر سرعت، خطرات نیز هم از نظر شدت و هم از نظر تعداد افزایش می‌یافت. از سوی دیگر با پیچیده شدن وسایل مزبور، اثبات تقصیر دشوار

۱. سوره انعام، آیه ۱۶۴؛ سوره اسراء، آیه ۱۵؛ سوره فاطر، آیه ۱۸. سوره زمر، آیه ۷؛ سوره نجم، آیه ۳۸.

۲. سوره مدثر، آیه ۳۸؛ سوره طور، آیه ۲۱.

۳. طبق ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف: « هر عمل شخص که سبب خسارت دیگری گردد موجب التزام کسی است که خسارت از تقصیر

او ناشی شده تا خسارت را جبران کند» که اشاره‌ای به اصل شخصی بودن است (Starck, 1972/85).

می‌نمود، زیرا با صنعتی شدن جهان، بشر وسایل خارق‌العاده و نیروهای مرموز را به خدمت گرفت که حتی برای خود وی هم مجهول بود. در چنین وضعیتی یا اصلاً تقصیری وجود نداشت یا اثبات آن ممکن نبود^۱ (Josserand, 1936, 41). در چنین شرایطی نمی‌شد انتظار داشت تا حقوق مسئولیت مدنی از تحولات در امان باشد. چنان‌که از یک سو خسارت‌های جمعی جای خسارت فردی را گرفت (Likilimba, 2009, 1) و از سوی دیگر وجدان به این امر واقف گردید که دیگر یک شخص نمی‌تواند همه خسارات‌ها را تحمل کند. این نگرانی‌ها یکی از تحولات بزرگ را در زمینه مسئولیت مدنی فراهم ساخت که این تحول، ظهور بیمه در دنیای حقوق به شکل علمی بود. نکته دیگر اینکه با جنگ جهانی دوم و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای ثابت گردید که افعال بشر بر نسل‌های آتی اثرگذار است. همچنین خسارت‌های زیست‌محیطی این ایده را در میان طرف‌داران محیط زیست به وجود آورد که برخلاف گذشته که مسئولیت «حالت قهقرایی» داشت، دیگر امروزه مسئولیت فقط نسبت به اعمال گذشته نیست، بلکه باید طبق «اصل احتیاط» چنان عمل نمود که عمل کنونی مسئولیت آینده را در پی نداشته باشد (Jourdain, 2000 / 51 et Viney. 2007 / 1542). در این شرایط با گردش چرخ‌های زندگی خسارات نیز یکی پس از دیگری به وقوع می‌پیوست. حال از یک سو اصل جبران کامل خسارات در حقوق مسئولیت مدنی اقتضا می‌نمود که همه خسارات جبران گردد و از سوی دیگر منابع مالی افراد آن قدر کافی نبود تا بتوان همه خسارات را جبران کرد و از همین جا مسئولیت فردی ضعف‌های خود را نشان داد. چنان‌که در کتب مسئولیت مدنی مسئله‌ای با عنوان «افول مسئولیت فردی» (Déclin de la responsabilité individuelle) مطرح شد (elebecque 2008/7). از سوی دیگر بیمه اختیاری و سپس بیمه اجباری ظاهر شد و به ترتیب به جای مسئولیت فردی، به کمک بیمه، سیستم توزیع جمعی خطرات پذیرفته شد (ایزانلو، ۱۳۸۶، ص ۹۱). به همین دلیل با عمومی شدن بیمه، سیستم سستی حقوق مسئولیت مدنی تحت تأثیر قرار گرفت. به این ترتیب، امروزه مسئولیت به وسیله بیمه بر همه افراد تحمیل شده و ریسک حوادث بر جمعیت بیمه شدگان تحمیل می‌گردد (Jerome pansier. 2008/7). بعداً دولت‌ها اقدام به جبران برخی از خسارات کرده و در نتیجه هزینه جبران خسارات را بر همه شهروندان سرشکن کردند. به نحوی که امروزه جبران برخی از خسارات را دولت‌ها می‌پذیرند (Carbillac. 2008/185. et Toulet. 2001/346). در نتیجه مسئله افول مسئولیت فردی به صورت بسیار جدی‌تری مطرح شد و امروزه فکر جمعی کردن مسئولیت (La

۱. زیرا اگر تقصیری هم وجود می‌داشت یا زیان‌دیده فوت می‌کرد و ورثه هم در محل وقوع خسارت حضور نداشتند، اصولاً نمی‌توانستند تقصیر را ثابت کنند یا اگر هم زیان‌دیده واقعی فوت نکرده بود، با تخصصی شدن علوم، اثبات تقصیر کار چندان آسانی نبود.

collectivization de la responsabilité) در اذهان شکل گرفته است که شکل بسیار عالی این ایده را می‌توان در صنعت بیمه مشاهده نمود. نمونه دیگری از جمعی شدن مسئولیت را می‌توان در برخی از نهادهای دیگر مشاهده کرد؛ مانند صندوق تأمین خسارت یا تأمین اجتماعی که سبب می‌شود مسئولیت جبران خسارت، بین اشخاص متعدد سرشکن گردد (Légier. 2008/110 et). در حقوق ایران نمونه‌ای اعلامی جمعی شدن را در نهاد بیت‌المال و عاقله و مسئولیت خویشان می‌توان یافت. به همین دلیل امروزه نباید چندان بر اصل شخصی بودن مسئولیت تکیه نمود و در عصر کنونی یکی از اهداف مسئولیت مدنی، تحمیل مسئولیت بر شخصی است که بهتر جبران خسارت را تضمین می‌نماید (Benabant . 2005/392).

۲. تضعیف اصل تناسب مسئولیت با تقصیر

در حقوق سنتی، یکی از اصول مسئولیت «اصل تناسب مسئولیت با تقصیر» (Le principe de proportionnalité de la responsabilité à la faute) است. بر مبنای این اصل هر شخصی به اندازه تقصیر خود، مسئول می‌باشد (Claire.Restoux.1998/203). به همین دلیل از منظر مسئولیت مدنی سنتی، قاعده کلی این است که مسئولیت مدنی بر مبنای اصل تقصیر استوار است (Smith. 1917 / 319-334). از سوی دیگر امروزه ثابت شده است که با تئوری تقصیر بسیاری از خسارات قابلیت جبران ندارد، زیرا گذشته از دشواری اثبات تقصیر، در مواردی اصلاً تقصیری وجود ندارد. به همین دلیل امروزه در دیوان عالی فرانسه به جای تقصیر به تئوری تعهد ایمنی استناد می‌شود (Tourneau. 2011/923). اکنون طبیعی است که با کم‌رنگ شدن اصل تقصیر، اصل تناسب سازی مسئولیت با تقصیر نیز چندان کارایی ندارد. از سوی دیگر تضعیف نقش تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی با مسئله افول مسئولیت فردی گره خورده است (Carbillac. 2008/185). زیرا اگر مسئولیت فردی زوال پذیرد، دیگر اصولی مانند اصل تقصیر یا اصل تناسب مسئولیت با تقصیر، کارایی عملی خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین از آثار جمعی شدن مسئولیت، می‌توان به تضعیف نقش تقصیر و اصل تناسب مسئولیت با تقصیر اشاره نمود (Jourdain . 1997 / 496 et Lambert-Faivre. 1994 / 81).

دوم، جمعی شدن مسئولیت

۱. اجتماعی شدن جبران خسارت یا محو شدن مفهوم مسئولیت؟

امروزه یکی از مباحث جدید جمعی شدن، بحث «محو شدن مفهوم مسئولیت» (L'effacement de la notion de responsabilité) است؛ چنان‌که عده‌ای معتقدند سرانجام مفهوم مسئولیت مدنی

محو خواهد شد، زیرا برای تحمیل جبران خسارات برعهده جمع، گویا لازم نیست تا طبق قواعد عمومی بتوان مسئولیتی بر دیگران بار نمود. همچنین از یک سو مفهوم خطرات اجتماعی ظهور یافته و جبران خسارت به وسیله ایده خطرات اجتماعی مورد پوشش بیمه‌ای قرار گرفته و در عمل در بیشتر مواردی که یک خسارت بدنی محقق می‌گردد، جبران ضرر به وسیله نهاد تأمین اجتماعی انجام می‌پذیرد (Delebecque . Jerome pansier. 2008/8). از سوی دیگر موارد جبران خسارت توسط صندوق تأمین بسیار گسترده شده است. برای مثال در مورد حوادث رانندگی که مسئول مشخص نیست یا نمی‌تواند خسارت را جبران کند، جبران خسارت از سوی صندوق تأمین انجام می‌شود. در حقوق فرانسه حتی در مورد خسارات بدنی که فاعل فعل زیان‌بار ناشناس یا معسر است، جبران از سوی این صندوق صورت می‌پذیرد. در نتیجه در گذشته با تحقق زیان، حقوق‌دانان در صدد تعیین مسئول و مقصر بر می‌آمدند، اما امروزه بیشتر به خسارات و جبران آنها می‌اندیشند. گویا در این موارد فاعل از یاد می‌رود و بیشتر به زیان‌دیده و جبران خسارت وی توجه می‌شود. بنابراین شاید مسئولیت مدنی به مفهوم سنتی خود از حقوق رخت بریندد. این ایده نیز در مواردی خود را در حقوق موضوعه نشان داده است. برای مثال در حقوق فرانسه با قانون ۳۰ ژانویه ۱۹۷۷ یک کمیسیون برای جبران خسارت زیان‌دیدگان ناشی از تخلفات (CIVI) (La commission d'indemnisation des victimes d'infraction) به وجود آمد (Rajot. 2009/4) و در نهایت مضمون این قانون در مواد ۳-۶ تا ۷۰۶-۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه قابل مشاهده است که بر مبنای این مواد با احراز شرایطی در موردی که زیان‌دیدگان ناشی از تخلفات از راه‌های عادی نتوانسته‌اند به یک جبران خسارت کافی و مؤثر دست یابند، خسارت آنها جبران می‌گردد (Grouitel. 2009/4). بدیهی است که این جبران نشان‌دهنده یک یارانه در راستای یک تکلیف در خصوص تعاون و همیاری اجتماعی است (Delebecque . Jérôme pansier 2008 /9 et Daligand . Loriferne . Raynaud . Roche.1992/20)؛ حتی به نظر برخی، خسارت ناشی از حوادث طبیعی (Leduc. 2001/1) یا خسارت ناشی از تروریسم (Barrois. 2004/17 et Renoux. Roux . 1993 /75) و یا خسارات ناشی از برخی از بیماری‌ها مانند ایدز یا بیماری‌های ناشی از خون آلوده می‌تواند از دارایی این چنین صندوق‌هایی جبران گردد. همان‌گونه که بر اثر شیوع بیماری ایدز در فرانسه، صندوقی برای جبران خسارت قربانیان این بیماری تأسیس شده است (Lambert-Faivre. 1993 /1). به نظر برخی به جای مسئولیت مدنی ایجاد یک رشته جدید با عنوان «حقوق حوادث» (Droit des catastrophes) لازم است تا خسارات طبیعی نیز جبران گردد (Lienhard. 1995). عده‌ای دیگر از این حقوق‌دانان در شرایط کنونی از «اجتماعی کردن جبران خسارت» (Socialisation de l'indemnisation) سخن به میان آورده‌اند. از این منظر دیگر جبران خسارت

به عهده حقوق مسئولیت مدنی نیست، بلکه جبران خسارت می‌تواند به وسیله نهادهای دیگری مانند بیمه مسئولیت یا بیمه تأمین اجتماعی یا گسترش تعهدات دولت به جبران خسارات انجام شود (Friedmann. 1949/ 241). البته گفتنی است که جبران توسط بیمه، کامل نیست و با توجه به سقف بیمه همیشه مقداری از خسارت جبران نمی‌شود. اما این مزیت را دارد که زیان‌دیده با اعسار رو به رو نمی‌شود و جبران بخشی از خسارات از سوی بیمه قطعی است. به عبارت دیگر در حقوق مسئولیت مدنی سنتی، اصل کامل جبران خسارت اقتضا دارد تا همه خسارات جبران گردد، اما در عمل همیشه فقط برخی از اشخاص به جبران خسارت کامل دسترسی می‌یابند و برخی نیز با توجه به اعسار خوانده از جبران خسارت کامل محروم می‌مانند. اما با تحولات ایجاد شده و با توجه به جمعی شدن جبران و کمک صنعت بیمه، همه می‌توانند به جبران خسارت دست پیدا کنند و دیگر بیم اعسار مسئول، وجود ندارد. اما با توجه به سقف پوشش بیمه‌ای، ممکن است فقط تا حدودی خسارات جبران گردد. به این ترتیب، معادله سنتی «جبران خسارت برای برخی، اما جبران کامل» جای خود را به معادله جدیدی با عنوان «جبران خسارت برای همه، اما جبران تا مقداری از خسارت» می‌دهد (Delebecque . Jerome pansier . 2008/11 et Toulet. 2001/346)؛ چنان‌که امروزه «مسئول، بدهکار حق بیمه و زیان‌دیده طلبکار مبلغی از یک جمعیت است».

۲. ابقای حقوق مسئولیت مدنی

با وجود ظهور اندیشه جمعی کردن خطرات، به نظر می‌رسد حقوق مسئولیت مدنی قابل محو شدن نبوده، به حیات خود ادامه خواهد داد. اندیشه «جبران همه خسارت برای همه» می‌طلبد تا رشته‌های حقوقی دیگری مانند حقوق بیمه با حقوق تأمین اجتماعی به یاری حقوق مسئولیت مدنی بشتابند. به این ترتیب تا سقف پوشش بیمه‌ای این تضمین وجود دارد که جبران خسارت تا این مقدار قطعی است و برای مازاد بر تعهدات شرکت‌های بیمه یا سازمان تأمین اجتماعی نیز می‌توان با کمک حقوق مسئولیت مدنی سنتی بقیه خسارات را جبران نمود. این امر نشان می‌دهد که ظهور نهادهایی مانند بیمه یا تأمین اجتماعی به معنی حذف مسئولیت مدنی نیست، زیرا حتی اگر خسارت از سوی بیمه جبران شود، شرکت بیمه حق دارد طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، به فاعل مراجعه کند (Renoux. Roux . 1993/75). همچنین در بیمه سقف خاصی وجود دارد و در عمل زیان‌دیده برای جبران مازاد بر سقف مزبور، مجبور است تا به قواعد عمومی مسئولیت مدنی پناه برد. وانگهی در عمل شرکت‌های بیمه زیان معنوی را جبران نمی‌سازند و زیان‌دیده باید طبق قواعد مسئولیت مدنی خسارت را مطالبه کند. بنابراین عملاً شرکت‌های بیمه نمی‌توانند خسارت زیان‌دیده را به نحو کامل جبران سازند

(Lambert-Faivre.2004/352 N.229). پس آنچه تا دیروز به شکل «رقابتی» بین مسئولیت مدنی و بیمه ظاهر می‌شد (Josserand.1936/41)، امروزه مبدل به «رفاقتی» شده که حقوق مسئولیت مدنی و بیمه را به منزله دو امر لازم و ملزوم یکدیگر در راستای جبران خسارت نشان می‌دهد. به این ترتیب باید با حقوق دانانی همداستان شد که معتقدند اجتماعی کردن خسارات و خطرات به منزله حذف مسئولیت مدنی نیست (Pignerol. 2005 / 2213).

گفتار سوم - آثار پذیرش اندیشه جمعی شدن مسئولیت

نخست، تأثیر جمعی شدن مسئولیت بر قانون‌گذاری

جمعی شدن در تحول قوانین مؤثر است. تحولاتی که در زمینه قانون‌گذاری در فرانسه در سال‌های ۱۹۷۷م رخ داد، حکایت از این داشت که قانون‌گذار به این نتیجه رسیده بود که نمی‌توان با محصور نمودن مسئولیت مدنی در الفاظ و اصول خشک به جبران خسارت کامل دست یافت (Groutel. 2009/4). عقل می‌پذیرد که گاه جبران خسارت از توان یک شخص خارج است؛ چنانچه در انفجار اتمی و یا توزیع خون آلوده و یا عملیاتی تروریستی، کدام شخص می‌تواند چنین خساراتی را جبران سازد؟ همین دلایل کافی است تا قانون‌گذار فرانسه را وادار کند تا در قانون آیین دادرسی کیفری، صندوق تأمین با مسئولیت وسیع پیش‌بینی کند (Lambert-Faivre. 1993 / 1).

دوم، تأثیر جمعی شدن مسئولیت بر زیان‌دیده و فاعل فعل زیان‌بار

جمعی شدن مسئولیت مدنی به نفع زیان‌دیده است (Viney. 1995/84). با جمعی شدن مسئولیت زیان‌دیده، نیازی به اثبات تقصیر نیست. همچنین از نظر روانی در مواقعی که زیان‌دیده درمی‌یابد که خسارات بیمه‌شده یا صندوقی برای جبران وجود دارد، بیشتر مایل به مطالبه خسارات است. از سوی دیگر اگر مسئولیت جمعی باشد و فاعل فعل زیان‌بار، جمعی را در کنار خود مهبای جبران خسارت ببیند، دیگر زیان‌دیده را به عنوان دشمن نمی‌بیند. به این ترتیب، فاعل خود زیان‌دیده را به شرکت بیمه راهنمایی می‌کند، زیرا مدیون جبران خسارت گویا جمعیتی است که بیمه یا تأمین اجتماعی یا صندوق تأمین نمایندگان آنها هستند (Viney. 1995/36).

سوم، تأثیر جمعی شدن مسئولیت بر رویه قضایی

اندیشه جمعی شدن مسئولیت هنوز در سطح دکترین است و در حقوق ایران بر این مبنا رأیی وجود ندارد. در حقوق فرانسه نیز وضع تقریباً به همین نحو است، اما همین ایده که ذهن

دکترین را به خود مشغول داشته، به طور غیرمستقیم در رویه قضایی فرانسه اثر گذاشته و یکی از آرای بسیار معروفی که تحول عظیمی در مسئولیت مدنی فرانسه به وجود آورده، تصمیم ۲۹ مارس ۱۹۹۱ مشهور به تصمیم «بلیک» (Blicq) است که اصلی با عنوان «اصل عمومی مسئولیت ناشی از فعل غیر» (Le principe général de responsabilité du fait d'autrui) ایجاد نمود^۱. ((Malinvaud, 2005/334 et. Carbillac, 2008/203 et Fabre-Magan, 2007/318). ماده ۱۳۸۴ ق.م. ف تا سال ۱۹۹۱ م بیانگر تعدادی استثنا بود و مسئولیت ناشی از فعل غیر قاعداً باید به صورت مضیق تفسیر می‌شد (Lapoyade. Dechams, 1998/185 et Radé., 2007/1 et Martini, Losfeld, 2000/92 et v. Jeuland, 2009/90 et v. Bilot - Léna, 2008/293 «بلیک» (Blicq)، یک قاعده شد. تأثیر دیگر ایده جمعی شدن، در تسهیل شرایط مسئولیت مدنی دولت است. امروزه دولت حتی نسبت به خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه مسئول جبران خسارات است (زرگوش، ۱۳۸۵، ص ۳۹) و دولت‌ها نسبت به خسارات ناشی از اعمال حاکمیت نیز ضامن بوده، در این راستا لایحه‌ای نیز طرح شده است (صفایی، ۱۳۸۵، ص ۱۷). در عرصه بین‌المللی نیز در رویه قضایی می‌توان شاهد تحولاتی بود. در دعوی «انریلدز» (Oneryildiz) دادگاه اروپایی با نسبت دادن رانش زمین به دولت ترکیه، این دولت را مسئول جبران خسارات دانست (زرگوش، ۱۳۸۵، ص ۳۹). همچنین بر مبنای کنوانسیون‌های وین و پاریس در خسارات هسته‌ای، جبران خسارت برعهده بهره‌بردار و دولت قرار می‌گیرد (Viney. 1998/422).

۱. در این پرونده نوجوانی با معلولیت ذهنی به یک مرکز سپرده شده بود و مؤسسه‌ای خصوصی بر آن نظارت داشت. فعالیت مورد نظری که به مؤسسه واگذار شده بود، عبارت بود از کندن و وجین کردن علف‌های جنگلی. به دلایلی این نوجوان در جریان کار، یک آتش‌سوزی به راه انداخت که هکتارها جنگل را به کام خود کشاند. زیان‌دیدگان بر علیه مؤسسه که مرکز مزبور را اداره می‌کرد دعوی را مطرح کردند. دادگاه بدوی بر مبنای تقصیر در نگهداری و مراقبت با این دعوی موافقت نمود و دعوی را وارد دانست. خواننده دعوی یعنی مؤسسه در دادگاه پژوهش از خود دفاع کرد که در خلال روز این نوجوان تحت یک رژیم آزادانه بوده و مؤسسه مزبور هیچ‌گونه مراقبت و مواظبتی را در خلال کار بر روی وی نداشته است؛ بنابراین مسئول نیست (viney. Jourdain. 1998/837). قضات دادگاه پژوهش در توجیه موضع خود مبنی بر مسئول دانستن مؤسسه به «خطر ایجاد شده» (Risque crée) برای اشخاص ثالث استناد می‌جستند که اعمال یک رژیم آزادانه در رفتار و نگهداری از چنین نوجوانی برای اشخاص ثالث خطراتی را ایجاد می‌کند (viney. Jourdain. 1998/838). شرایط آن زمان در فرانسه به نوعی بود که دادگاه پژوهش به خوبی می‌توانست انتظار آن را داشته باشد که رأی وی نیز مانند دیگر آرای که قبلاً چنین موقعیتی را در گسترش موارد مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر اتخاذ کرده بودند، توسط دیوان عالی کشور نقض خواهد شد. اما این انتظار چندان با واقعیت هم‌نوا نشد و دیوان عالی کشور فرانسه راه حل دادگاه پژوهش را تأیید کرد.

چهارم، تأثیر جمعی شدن مسئولیت مدنی بر توسعه و پیشرفت

اکتشافات و اختراعات به همان اندازه که مفید هستند، خطرناک هم می‌باشند. در مواردی، ترس از این خطرات بر نظریات حقوقی بی‌تأثیر نبوده است. اگر نوشته‌های «ژوسران» و «سالی» مطالعه شود، آنگاه قابل درک است که چگونه همین ترس به تولد «تئوری خطر» انجامیده است (Josserand.1936/41). از طرفی نمی‌توان قربانیان پیشرفت علم و تکنولوژی را بدون جبران در جامعه رها نمود (بابایی، ۱۳۸۰، ص ۷۷). اگر همه جامعه از دستاوردهای علمی بهره‌مند گردند، ناعادلانه است که فقط عده‌ای از آن متضرر شوند. پس بهتر است با اجتماعی کردن خطرات، جبران این زیان نیز برعهده جمع قرار گیرد.

گفتار چهارم، ارائه راهکارهای عملی مشابه در حقوق فرانسه و ایران

ایده جمعی شدن مسئولیت که در گذشته نیز بی‌سابقه نبوده، به مفهوم علمی و نوین محصول تراوش یافته ذهن دکتربین است. اگرچه این ایده هنوز به صورت نص قانونی نیست، اما ایجاد صندوق‌های جبران خسارت نتیجه این طرز تفکر است. در حقوق ایران این صندوق در قانون بیمه اجباری وجود دارد، اما در حقوق ایران ایجاد یک صندوق به نام بیت‌المال می‌تواند تمهیدی در گسترش مسئولیت‌های این صندوق باشد. یکی از این راهکارها این است که می‌توان مسئولیت بیت‌المال را گسترش داد، زیرا یکی از مبنای توجیه مسئولیت بیت‌المال، حفظ دماء می‌باشد (مغربی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۳؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۱۲۶). به موازات آن مانند حقوق فرانسه می‌توان صندوق‌های تأمینی را طراحی نمود تا در مواردی که امکان جبران از نظر اقتصادی برای فاعل ممکن نیست، زیان از طریق صندوق جبران شود و شخصیت حقوقی صندوق، قائم‌مقام زیان‌دیده شده و بتواند خسارات را از فاعل مسترد دارد. پیشنهاد دیگر، گسترش بیمه و فرهنگ بیمه در سطحی گسترده^۱ و نیز گسترش مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر است (Radé. 2005/11).

نتیجه

یکی از اصول کلاسیک مسئولیت مدنی، اصل شخصی بودن مسئولیت است. ظهور این اصل نشانگر رشد و تعالی این رشته در مقطعی از زمان می‌باشد. با وجود این، حقوق مسئولیت مدنی رشته‌ای است که اندیشه جبران خسارت در آن سبب می‌شود که حتی گاه اصول نیز

۱. برای مثال، به جای تکیه بر برائت پزشک، می‌توان نوعی بیمه اجباری طراحی کرد که حق بیمه آن برعهده پزشک و بیمار باشد تا در صورت وقوع خسارت، بیمه خسارت را بپردازد. با این روش، بیمار به راحتی تن به درمان داده، پزشک نیز به دنبال کسب برائت نخواهد بود.

تحت الشعاع قرار گرفته متحول شود. امروزه ظهور خسارات جدید با تأثیرگذاری بر اصل شخصی بودن، سبب شده تا زمره‌هایی در دکترین مبنی بر جمعی سازی مسئولیت مدنی به‌گوش رسد که در برخی از رژیم‌های حقوقی می‌توان این اندیشه یعنی تحمیل مسئولیت بر دیگران و سرشکن نمودن مسئولیت را مشاهده نمود. در حقوق ایران نیز این ضرورت به چشم می‌خورد و از قانون‌گذر انتظار می‌رود تا این امر را در وضع قواعد مورد لحاظ قرار دهد. همچنین رویه قضایی می‌تواند بر ضرورت اصل شخصی بودن کم‌تر اصرار ورزد و با توسل به روح جدیدی که در حال دمیده شدن در کالبد مسئولیت مدنی است، خسارات بیشتری را جبران سازد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

– کتاب‌ها

۱. آیوایی، هاردی (۱۳۷۵). حقوق دریائی. ترجمه، دکتر منصور پورنوری، ج ۱، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی
۲. ایزانلو، محسن (۱۳۸۶). شروط محدود کننده و ساقط کننده مسئولیت در قراردادها. ج ۲، شرکت سهامی انتشار،
۳. امید، هوشنگ (۱۳۵۳). حقوق دریایی. ج ۲، چاپخانه زیبا.
۴. بابایی، ایرج (۱۳۸۶). حقوق بیمه. ج ۱، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
۵. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. ج ۱، شرکت سهامی انتشار.
۶. باهری، محمد. داور. میرزا علی اکبر خان (۱۳۸۰). نگرشی بر حقوق جزای عمومی. ج ۱، انتشارات مجد.
۷. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۵۹). بیمه در حقوق اسلامی. ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی. ج ۱، ج ۷، انتشارات ویستار.
۹. شیانی، احمد علی (۱۳۵۱). کلیات علم بیمه. ج ۱، چاپ زیبا.
۱۰. کینگ، لئونارد ویلیام (۱۳۸۳). قانون حمورابی. با تفسیری از دکتر چارلز هورن، ترجمه: آذروکیل گیلانی، ج ۱، مؤسسه انتشاراتی پویندگان طب.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). قواعد فقه. بخش جزایی، ج ۴، ج ۱، مرکز نشر علوم انسانی.
۱۲. محمود صالحی، جان علی (۱۳۸۴). حقوق بیمه. ج ۲، پژوهشکده بیمه وابسته به بیمه مرکزی.
۱۳. معتمد، محمد علی (۱۳۵۱). حقوق جزای عمومی. ج ۱، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۸). حقوق جزای عمومی. ج ۱، ج ۴، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.

– مقاله‌ها

۱. بابایی، ایرج (۱۳۸۰). مسئولیت مدنی و بیمه. مجله پژوهش حقوق و سیاست. سال سوم، ش ۴.
۲. زرگوش، مشتاق (۱۳۸۵). مبانی نظری مسئولیت مدنی دولت در حوادث غیر مترقبه. مجله حقوق عمومی و حقوق بشر، سال اول و دوم، شماره ۲ و ۳.
۳. صفایی، سید حسین (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی موسسات عمومی و بررسی لایحه جدید دولت در این زمینه. مجله حقوق تطبیقی (دوره جدید)، ش ۱.
۴. محمدی، سمیرا (۱۳۸۷). ایدز و مسئولیت مدنی دولت. فصلنامه حقوق پزشکی، سال دوم، شماره ۵.

۵. مرعشی شوشتری، محمدحسن (۱۳۷۶). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. ج ۲، تهران، نشر میزان، دوم، عربی
۶. جبعی العاملی، زین الدین (۱۳۷۲). الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۲، ج ۷، مرکز النشر مکتب الاعلامی الاسلامی.
۷. جصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی (۱۴۱۵). احکام القرآن. ج ۲، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. حر عاملی (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، ج ۲۹، ج ۲، قم، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۹. حلی، (محقق). ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (۱۳۷۷). المختصر النافع. ج ۱، نشر الهام.
۱۰. حلی، (فخر المحققین)، محمد بن یوسف بن یوسف اسدی (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۴، ج ۱، قم، موسسه اسماعیلیان.
۱۱. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. ج ۱، مجلد ۲، ج ۳، منشورات الحلویه الحقوقیه.
۱۲. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵). رسایل الشریف المرتضی. ج ۲، ج ۱، قم، ایران، دارالقرآن الکریم.
۱۳. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). التنقیح الرائع لمختصر الشراعی. ج ۴، ج ۱، قم، ایران، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۴. کاشانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۹). بدایع الصنائع. ج ۷، ج ۱، پاکستان. مکتبه الحبیبه.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۷). الفروع من الکافی دارالکتب الاسلامیه. ج ۷، ج ۳، بی نا.
۱۶. محمد جعفر، علی. ۱۴۱۴ ه. ق. (۱۹۹۴). مبادئ المحاکمات الجزائیه. ج ۱، الموسسه الجامعیه الدراسات و النشر و التوزیع. بیروت.
۱۷. مراغی، سید میر فتح بن علی حسینی (۱۴۱۷). العناوین الفقهیة. ج ۱، انشارات جامعه مدرسین.
۱۸. مصطفوی، سید کاظم (۱۴۱۷). مئة فائده فقهیة. ج ۳، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفه.
۱۹. مغربی، نعمان بن محمد بن منصور بن احد بن حیون القیمی المغربری. ۱۳۸۳- ۱۹۶۳. دعائم الاسلام، ج ۲، ج ۱، دار المعارف.

(ب) خارجی

– کتابها

- 1- Herring, Jonthan. **criminal law**. 2004. 1 éd ed. Oxford. University press

– مقالهها

- 1-Friedmann. W. G. 1949 " **Social Insurance and the Principles of Tort Liability**" . Harvard Law Review. Vol. 63, No. 2
- 2-Smith, Jeremiah. 1917. "**Tort and Absolute Liability**: Suggested Changes in Classification". Harvard Law Review. Vol. 30, No. 4

– فرانسه

– کتابها

- 1- Baudry- Lacantinerie. G. 1921. **Précis de Droit civil**. T.2. 12é.éd. librairie de la société du recueil- siry
- 2- Benabant .Alain. 2005. Droit civil .**Les obligations**. 10é.éd.librairie général de droit et de jurisprudence. Montchrestien
- 3- Bllot –Léna (Auréli) 2008. **La responsabilité civile en droit des affaires.Des régimes speciaux vers un droit commun**. 1é.éd.L.G.D.J. Lextenso éditions .
- 4- Carbillac.Remy.2008. **Droit des obligations**. 8é.éd.Dalloz.
- 5-Cardascia.Guillaume.1998.**Réparation et péine dans les droits cunéifor, et le droit romain**. in: La responsabilité à travers les age. 1é.éd. E.D.Economica.
- 6-Claire(Anne) Restoux (Maddoli).1998.**Responsabilité de l'expert- comtable**.1é.éd. Editions Litec.

- 7-Colin. (philippe) Maistre du chambon. (patrick). 1999. **Droit pénal général**. 4é.éd. Armond colin
- 8-Delebecque (Philippe) Jerome pansier (Frederic). 2008. **Droit des obligations**. 4é.éd.LexisNexis.
- 9- Deroussin.2007. David.**Histoire de droit des obligations**.1é.éd. Economica.
- 10-Daligand (Liliane) Loriferne (Dominique) Raynaud (Charles-André) Roche (Louis) .1992. **L'evaluation du dommages corporel**. 3é.éd. Édition Alexandre lacassagne
- 11-Fabre-Magan.(Muriel) .2007.**Droit des obligations. Responsabilité civile et quasi-contrats**.1é.éd. Presses universitaires de France
- 12-Jeuland.Emmanuel.2009.**Droit des obligations**. 3é.éd. Montchrestien. Lextenso. Editions.
- 13- Lambert-Faivre(Yvonne) .2004.**Droit du dommage corporel**.5é.éd.Dalloz
- 14-Lapoyade .Dechamps.(christien)1998. **Droit des obligations**.1é.éd.ellipes edition marketing S.Q
- 15- Lecourt.Arnaud.**Fiches de droit des obligations**. 2008. 1é.éd.Ellipes edition marketing. S.A
- 16- Légier.Gérard. 2008. **Droit civil.Les obligations**.19é.éd.Dalloz.
- 17- Martin.Louis.1896.**Droit civil**.1é.éd.punod et vicq Éditeurs
- 18- Malinvaud.Philippe.2005 . **Droit des obligations**.9é.éd.LexisNexis.Litec
- 19- Martini (philippe) Losfeld (karine) 2000.**Droit des obligations**.1é.éd.librairie vuibert
- 20- Porchy-Simon(Stéphanie) . 2006. **Droit civil. Les obligations**. 4é.éd.Dalloz
- 22-**Responsabilité individuelle,Garanties collectives**.1998.1é.éd.presses universitaires de france.
- 23- Starck. Boris. **Droit civil. Obligations**. 1972.1é.éd. Librairies techniques.
- 24- Tourneau.Philippe. 2011. **Droit de la responsabilité et des contrats**. 1é.éd.Dalloz.
- 25-Toulet.Valérie. 2001.**Droit civil. Obligations.Responsabilité civile**. 1é.éd. Centre de publications universitaires.
- 26-Viney. Geneviève.1995. **Traité de droit civil. Introduction à la responsabilité**. 2é.éd. librairie générale de droit et de jurisprudence
- 27-Viney. Geneviève. 1988.**Traité de Droit Civil. Les obligations. La responsabilité**. 1 é.éd. librairie générale de droit et de jurisprudence.
- 28-Viney. Genevieve. Jourdain. Patrice. 1998.**Traité de Droit civil. Les conditions de la responsabilité civile**. 2é. éd. Librairie générale de Droit et de Jurisprudence

- مقاله ها

- 1- Barrois. Hervé. (2004). " **ASSURANCES TERRESTRES . - Assurance contre les actes de terrorisme**". Responsabilité civile et Assurances.
- 2-Groutel. Hubert.(2009). " **RÉGIMES DIVERS. - Indemnisation des victimes d'infraction**". Responsabilité civile et Assurances
- 3-Josserand.(M.Louis) .(1936). " **L a Transformation du droit des obligations depuis la promulgation de code civil français**".In Le droit civil français.1é.éd .Librairie de Recueil Sirey
- 4-Jourdain. Patrice.(2000)."**Principe de precaution et responsabilité**". Droit de l'environnement. n° 239
- 5- Jourdain .Patrice. (1997). " **La responsabilité du fait d'autrui fondée sur l'article 1384, alinéa 1er, du code civil est une responsabilité de plein droit**". Recueil Dalloz
- 6-Lambert-Faivre.Yvonne. (1994). " **Fondement et régime de l'obligation de sécurité**". Recueil Dalloz
- 7- Lambert-Faivre.Yvonne. (1993). " **L'indemnisation des victimes post-transfusionnelles du Sida : hier, aujourd'hui et demain**". RTD Civ
- 8- Leduc. Fabrice.(2001). " **ASSURANCES TERRESTRES . Assurances relatives aux biens . Catastrophes naturelles**". Responsabilité civile et Assurances
- 9- Lienhard. Claude. (1995). " **Pour un droit des catastrophes**". Recueil Dalloz
- 10-Likillimba. Guy-Auguste. (2009). " **Le préjudice individuel et/ou collectif en droit des groupements**". RTD Com
- 11- Pignerol. Bernard. (2005). " **Responsabilité et socialisation du risque**". AJDA
- 12- Radé. Christophe. (2005). " **DROIT À RÉPARATION . Responsabilité du fait d'autrui . Principe général**". Responsabilité civile et Assurances.

-
- 13- Radé. Christophe.(2007). " **DROIT À RÉPARATION . Responsabilité du fait d'autrui. Domaine: responsabilité des commettants**". Responsabilité civile et Assurances
- 14- Rajot. Bénédicte. (2009)." **Fonds de garantie divers**". Responsabilité civile et Assurances.
- 15-Renoux(Thierry.S) Roux (André). (1993). " **Responsabilité de l'Etat et droits des victimes d'actes de terrorisme**". AJDA
- 15-Viney. Geneviève. (2007)." **Principe de précaution et responsabilité civile des personnes privées**". Recueil Dalloz.